

فیروی آرام

زندگی من، فوتبال من

www.ketab.ir

آندری شوچنکو
الساندرو آلچالو
ترجمه‌ی نیلوفر حیدری



سرشناسه: شفچنکو، آندری، ۱۹۷۶ - م.

Shevchenko, Andriy

عنوان و نام پدیدآور: نیروی آرام: زندگی من، فوتبال من / آندری شوچنکو، الساندرو آلچاتو؛ ترجمه ی نیلوفر حیدری.

مشخصات نشر: تهران: گلگشت، ۱۴۰۱. مشخصات ظاهری: ۲۵۳ ص.؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

موضوع: شفچنکو، آندری، ۱۹۷۶ - م. موضوع: Shevchenko, Andriy

موضوع: فوتبالبلیست‌ها -- اوکراین -- سرگذشتنامه

Soccer players -- Ukraine -- Biography

شناسه افزوده: آلچاتو، آلساندرو، ۱۹۷۷ - م. شناسه افزوده: Alciato, Alessandro, ۱۹۷۷ -

شناسه افزوده: حیدری، نیلوفر، ۱۳۶۲ - مترجم

رده بندی کنگره: GV۹۴۲/۷ رده بندی دیویی: ۷۹۶/۳۳۴۰۹۲

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۸۰۷۴۵

نیروی آرام

Forza gentile



آندری شوچنکو | نیلوفر حیدری
الساندرو آلچاتو

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه‌ی رسمی از ناشر است

/قیمت/ با عرض شرمندگی قیمت‌ها را در سایت گلگشت بیا بید /
/این کتاب با کاغذ حمایتی چاپ شده است/

/صفحه‌آرایی/ امیرعباس صفری /

/طرح جلد/ امیرعباس صفری /

/نوبت چاپ/ اول / ۱۴۰۲ /

/تیراژ/ ۵۰۰ جلد /

/شابک/ ۹۷۸-۶۲۲-۶۴۸۹-۵۲-۲ /

تلفن : ۳۳۹۸۲۸۸۸ {+۹۸۲۱}

۹۲۱۳۹۰۲۲۵۰ {+۹۸}

فکس : ۴۳۸۵۲۹۳۳ {+۹۸۲۱}

goalgasht

goalgasht

goalgasht

خرید اینترنتی:

goalgasht.ir

مقدمه



شوای ما

www.ketab.ir

زوونیمیر بویان

نوشتن از شوای برایم آسان است، کافی است اجازه دهید که روح اسلاوی^۱ در بیان خام و شیرین‌اش ظاهر شود. به هم تیمی‌ام فکر می‌کنم، به برادرم فکر می‌کنم، به آن نام خانوادگی که حمل می‌کند فکر می‌کنم. نام خانوادگی بزرگی برای اوکراین. تاراس شوچنکو^۲ شاعر شاعران و پدر پدران سرزمینی بود که فوق ستاره روسونری را به ما هدیه داد. و بین شوچنکوی شاعر و بازیکن، یک شباهت روشن وجود دارد، پیوند و ارتباطی در اثر آنها وجود دارد: مدرن بودند و وقتی کار و زندگی می‌کردند از زمانشان جلوتر بودند. مسیر آنها کاملاً عینی و ملموس بود، اما خالصانه و قلبی و مملو از ارزشها، مملو از شور مطلق! معمولاً این دو

۱- اسلاوها قومی از نژاد هندواروپایی اند که در شرق اروپا زندگی می‌کنند. در اروپا شرقی، کشور های منطقه بالکان و قسمت های غربی روسیه به زبان اسلاوی که شاخه های مختلفی دارد صحبت می‌کنند

۲- Taras Shevchenko شاعر، هنرمند و انسان شناس اوکراینی

مورد برای یافتن تعادل کشمکش می کنند، اما فوتبال شوا و جوهر کلام تاراس، جوانه های شیرین و طلایی سرزمین وجود آنها را به شکوه و افتخار منجر کرد.

در زاگرب من یک بنای کوچک از شاعر وجود دارد، و در روحم یکی از آندری.

اولین بار او را در زاگرب در بازی بین کرواسی و اوکراین در پلی آف جام جهانی ۹۸ دیدم.

بیست دقیقه آخر وارد بازی شد و ما را کمی در سمت راست به دردر انداخت، اما ۲-۰ پیروز شدیم. در بازی برگشت ما را تکه تکه کرد، در بیست دقیقه دو گل به ثمر رساند، خداروشکر که VAR وجود نداشت و گل دوم به ناحق مردود اعلام شد.

ما از یک مسیر گذشتیم که در انتها، در اولین جام جهانی که کشور کوچک من بازی کرد، ما را به مدال برنز رساند.

اما آن شب تحت تاثیر قرار گرفته بودم، چون کسی را دیدم که استاندارد نبود، نرمال نبود. شکست ناپذیر بود، بازیکن پنجم و ششم را در مقابلش داشت و توپ همیشه کنار پایش بود. با آن پرسه زدن های عجیب قبل از سرعت گرفتن، با دریبل های مستقیم و ذاتی، با آن سهولت در گلزنی که در تمام عمرش داشت. از نظر فیزیکی یک جانور بود، دقت یک تک تیرانداز را داشت و سهولت بازی یک استعداد واقعی که در خیابانهای خاکی رشد کرده است. در رختکن درباره او خیلی حرف زده ایم، مربی مان گفت: «بعد از بلوخین، یکی دیگه شو دارن...».

سپس او پیش ما آمد، به میلان محبوب ما آمد. من مثل یک برادر بزرگتر کمی به او نزدیک شدم. در آغاز، به خصوص در ایتالیا، همه به کسی احتیاج دارند که بداند چطور در مورد فوتبال پیچیده ایتالیا مشاوره دهد.

مودب، حرفه ای، با آن چهره زیبا و معصوم برای ما همه چیز را فتح کرد.

در ابتدا مشکلاتی داشت، دوست داشت بیشتر بدود تا گل بزند، اما سپس کاری را انجام داد که بهتر از هر چیز دیگری بلد بود انجامش دهد: قاتل بودن، شوا بودن را انجام داد. این کار را برای سالهای متمادی با استمراری که اسلاوها ندارند، انجام داد. حتی وقتی برای چند دقیقه از بازی محو می شد، یک توپ سرگردان و او باز هم آنجا بود تا گلش کند. یک شکاف در دفاع و او آنجا بود که با سرعت بدود و توپ را شلیک کند - با پای راست، با پای

چپ، با سر- چون شوا با همه چیز گل می زد.

خوشم نیامد وقتی که بعد از جلسی برگشت، می دانستم که ایده خوبی نیست اما، در نهایت، چیزی از او کم نکرد، زیرا همه چیز از قبل عالی و فراموش نشدنی بود. پس از دوران حرفه ای اش، بعد از انزوای ذهنی بین یک چیز و چیز دیگر، که همه ما داریم، آندری جوان، مرد شد.

اما آنچه که قرار نبود تغییر کند، آنچه که همیشه بوده و همیشه باقی می ماند، روح اسلاوی است. پاک و حقیقی، پر از مزارع بی پایان و طلایی.

و اگر بهتر فکر کنم، باید اولین جملات این صفحه را تصحیح کنم: زندگی من توسط بسیاری از دوستان هم تیمی و تعدادی برادر هم تیمی مشخص شده است. با فکر کردن به او، به ابعادی فکر می کنم که مربوط به هیچ یک از این طرفین نیست. با فکر کردن به او به زندگی فکر می کنم، به دورانمان فکر می کنم، به شوای من فکر می کنم.